زيار

شماره پنجم

ای قلم بنویس، برای آه و درد و قهر کودکان ما بنویس!

سید سحاد «سادات» ای قلم به جای اینکه از سیاهی که چه جنایتبارانیه مورد تجاوز جای اینکه قلم در دست بگیرند، بیل می نویسی، از نور بنویس؛ بـه جـای جانوران انسان نما قرار می گیرند؛ از و داس در دست می گیرند و با تمام اینکه از ظالم و ستمگر می نویسی اشک، از آه، از درد، از قهر آنان غرور کار می کنند، اما شامگاهان از زحمتکمشان دیمار افغمان زمین بنویس؛ اگر می توانی بنویسی، پس با چهره های خسته و ژولیده ولی با بنویس که از اولین روشنی صبح تـا _ رساتر بنویس! ______ سر بلند به خانه باز مـی گردنـد، امـا غروب آن روشنی، هر لحظه ای قلم از کودکان زحمت کش دست تکدی دراز نمی کنند. از زحمت ممی کمشند و لحظه ای از سرزمین من بنویس که هم لحظهٔ فریاد مادران رنجدیده این کودکان زحمت کشیدن دست بر نمیدارند. شان به این تشویش سپری می بنویس که شب و روز کار می کنند، ای قلم به جای اینکه برای قاتلان شودکه چگونه هر شام پس از آشپزی می کنند، پاک کاری می می نویسی، برای کودکانی بنویس دویدن، برخاستن و عرق ریختن کنند، لباسشویی می کنند تا لقمه که هر دم قربانی بمباردمان و جنگ روزانه و تحمل سردی و گرمی، نانی برای جگر گوشه های شان پیدا و جنایت اربابان خارجی می شوند؛ تلاش دارند که قربانی جنایت کنند. ای قلم بنویس، از برابری از آنانی بنویس که زحمت می اربابان و نوکران نشوند و سالم به بنویس، از اتحاد زحمتکشان بنویس، کشند، کار می کنند، ولی گرسنه کلبه غریبانـه شـان برگردنـد، امـا از راهی بنویس که باید آغاز شود.

اي قلم مي تواني بنويسي، پس

مصاحبه کوتاه با سید رحیم کارگر

زیار: برادر عزیز خود را به خوانندگان نشریه زیار معرفی کنید: _مه سيدرحيم استم، از ولايت باميان آمده ام، باشنده يكه ولنگ ام. زیار: سید رحیم جان، چرا منطقـه را ایلا کده به کابل آمده ای؟ زیار: مجبوریت مه را تا کابل آورده. یک عده پولداره و زورمنده، به خاطر سیل و ساتیری کابل میاین که کابله تماشا کنن، مه بری پیدا کدن کار و کاسبی آمدیم. زیــار: قــبلاً در منطقــه چــه کــار عکس از زیار میکردی و فعملا در کابل چه می کنی؟ ـ ده منطقه دهقان بودم و ده کابل روزمزدی می کنم. زندگی ما همی زیار: چرا دهقانی را ماندی؟ _ چند سال اس کے بامیان

کسی مرہ بے کار ببره، اول خو بـسيار

آن سيماي نازنين كودكانه بنويس اي قلم ازكودكاني بنويس كه به رساتر بنويس! 🖈

خشکـسالی اس. زنـدگی مـه هـم کرایه خانه بـتم، پـول بـرق بـتم، دوا

مجبورن براي پيدا كدن لقمه نان به زيار: چه كارهايي را بلد هستي؟ كابل آمدم.

کم پیدا میشه و اگر پيدا هم شوه بايد ده تا بازده ساعت کےار کنم که ده مقابلش به مه سه و نيم صد افغانی میتن. مه ای<u>ن</u> سه و نيم صده

وابسته به حاصل زمينا بود. حاصل بخرم و يا براي اولادايم كه چشم به گرفته نتانستم و زندگی ده بامیان نان استن، نان و لباس بخرم. کتی ای بریم مشکل شد، چون کار نبود و سه و نیم صد مه چه کنم؟

<u>ـ</u> نجارى، معمارى، سـنگ كـارى زیار: از کارت راضی هستی؟ کده می تانم، اما چـه فایـده، کـار _ راستش را اگر بپرسی، نه به خدا نیس، اگر کار هم باشه بره مه نیس راضی نیستم. هر صبح وختی سر چون نه پول دارم نه واسطه. ده چوک میرم، انتظار می کشم تا دولت امروز کار ور (۳)

زيار صاحب امتياز: انجمن اجتماعي زحمتكشان افغانستان مدیر مسوول: آقاحسن «آروین» شمارۀ تماس: ۰۷۷۸۲۱۸۳۸۱ / ۷۰۰۵۲۷۱۸۷۳ ایمیل: zyar.af@gmail.com







میلیاردونه ډالره او بیا هم اووه میلیونه بیوزلی؟؟

او طاقت پرته بل څه او بي ننګه هم نه دي چې د بل چا حق نلري. په مجموعي توګه وخوري او پيسې يې غـلا کـړي. لکـه د افغانـستان ډيـر خلـک څرنګه چـی مـو وويـل زحمـت کـاږي او فقيران او بيوزله دي، ډير 🛛 شپه او ورځ په ګرمۍ او يخنبي کې کـار لې شمير كسان پيدا كوي. خو اوس د كرني وزارت اعلان کولی شو چی شتمن کړی چی دا وخت په افغانستان کی ۷ ميليونه کسان د فقر د کرښی لانـدې ژونـد کوي چې څه باندې دوه نيم ميليـون يـې د دهقانـانو طبقـه جـوړوي. کـه څـه هـم دا شمیره ډیره لـږه ده او بیوزلـه او فقیـران لـه مامورين او کسبګر دي چې د خپـل تـوان دی، د پانګوالو او شتمنو په شان بی غيرتـه اوو ميليونو څخه د ډير زيات دي **(۳) مخ**

خانانو لپاره کـار کـوي او هغـه معلمـان او 🦷 وهي.فقير لټ او تنبل نه دی، بيکاره هم نه

دی او دومرہ پیسی لـری چې حتى سپې هـم پـه لندکروزرو کې چکـرې

زنان ز حمتکش یکاولنگ، زنان شجاع و با غرور

سىما سوژا

کنند که چگونه خان ها، اربابان، سرمایه و دولت و انجو می آیند، می کشند، جنایت می کنند، رهزنی می کنند، چیاول مي کنند و به نام زحمتکشان سوداگري مي کنند. زنده ماندند تا به اولادهاي شان بیاموزانند که مثل یـدرها و بـرادارن شـان زحمتکش و در پهلوي زحمتکشان باشند و با ظلم اربابان، سرمايه داران و تاجران و دولمتردان و خارجي هايي كه هـر دقيقـه در هلمند، زابل، هرات و یکتیا مردم زحمتکش را می کشند، یکجا نـشوند. بـا زحمتكمشان يكجما باشمند تما بمالاخره بما و سران تنظیم ها نیستند که با یک سر افغانستان، هر نوع ظلم و ستم ص(۳)



خشكسالي، دهقانان را فقيرتر مي سازد

عکس از زیار

بيوزله هغه چا تـه ويـل کيـږي چـي د

ژوندانه د تيرولو لپاره هيڅ څه ونلري. نـه

کافی ډوډۍ لري، نه کور لري، نه جامي

لري، نـه دوا او درمـل اخيـستلي شـي، نـه

ډاکټر ته تللي شي، اولادونه يي مکتب

نشى لوستلى، تل كار كوى، زحمت باسى،

خوله تويوي خو بيا هم ژوند يـې هـيڅ نـه

ښه کیږی او تل پـه لـوږې او بيـوزلۍ کـې

ژوند تيروي. زمـوږ پـه هيـواد کـې بيوزلـه

اکثرا هغه کارګران دي چې د سـرمايه دار

لپاره کار کـوی، هغـه دهقانـان دي چـې د

در حدود همشتاد در صد باشمندگان

ولايت باميان را مردم زحمتكش تشكيل مي

دهـد كـه اكثـر آنـان مـصروف دهقـاني و

مالداري مي باشند. زندگي اکثر خانواده ها

از طريق جمع آوري محصولات زراعتي،

پرورش و فروش مواشی تامین میگردد. اما

بدبختانه خشكسالي امسال سبب شده است

که حاصلات دهقانان کم شود و مواشبی

مالداران به خاطر نبود علوف و آب فراوان

مالداري را سختتر ساخته و عايد دهقانان و

مالداران را کمتر می سازد، یعنی دهقانـان و

مالداران به خـاطر خشكـسالي فقيـر تـر مـي

دهقانان و مالداران ولسوالي هاي ينجاب،

ورس، یکه اولنگ، سیغان، شیبر و کهمرد به

خاطر خشکسالي در وضعیت بسیار بـد بـسر

می برند. خشکسالی سبب شده است که

دهقانان در حدود ۴۰ درصد زمین های شان

را کشت نکنند و یک تعداد از زمین هایی

که هم کشت شده است به خاطر کمی آب

حاصلش سوخته و دهقانان تاوان هاي

را زياد ساخته كـه زحمتكـشان تـوان خريـد آنرا ندارند، از همین خاطر است که در چنین حالاتی دہقانان جوان بے خاطر پیدا کردن کار به شهرهای کلان میروند و دهقاني را مانده به کارگري شروع مي کنند. وضعیت مالداران نیز روز به روز بدتر می شود، از آنجائیکه نمی توانند بدون علوفه مواشى شان را نگه دارند، ناچار آنرا با قيمت کم به فروش مي رسانند و خود به شهر مي تلف گردد که این خود زندگی دهقانی و آیند و در چهارراهی ها منتظر کارگری می مانند.

در حالیکه در بامیان دریاهای خورد و کلان مثل دریای بند امیر در ولسوالی یکه اولنــگ، دريـاي پنجـاب در ولـسوالي پنجاب، درياي ورس در ولسوالي ورس، دریای کهمرد در ولسوالی کهمرد، دریای پاي موري و کالو در ولسوالي شيبر، درياي فولادي، سرخدر، دكاني، سمارهٔ آهنگران در مرکز بامیان جریان دارد، اما به خاطر نبود يک دولت طرفدار مردم زحمـتکش. این آب ها ضایع می شود و دهقانان و مالداران زحمتكش مجبور هستند به خاطر زیادی را متحمل شده اند.کمبود حاصلات 💿 خشکسالی تاوان های زیادی را بپذیرند و زراعتی باعث کمبود غله شده و قیمت غلـه 🦷 زندگی شان خرابتر شود.

زنان زحمتكش يكاولنك زنده ماندند نا فرزندان زحمتكشان شهید شان را پرورش بدهند، به آنان حقايق تلخ زندگی را یاد

ست. این ولسوالی که در ولایت بامیان داران و تاجران به نام های طالب و تنظیم فرار دارد از ولسوالي هايي است که مردم ـــتمديده آن يـــشترين زجــر و درد را تجربه كرده اند. تنها در قتـل عـام طالبـان نز دیک به ۳۵۰ دهقان، کارگر، معلم، اهل کسبه و شاگرد در این ولسوالی با یر حمی و جنایت تیرباران شدند. اما همسران، مادران، خواهران و دختران ایس

یکاولنگ، نام آشنا برای همه مر دم

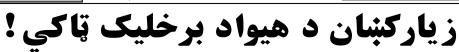
زحمتکشان شهید، با وجودی که هنوز و تا آخر عمر درد نبود عزیزان شان را حساس مي کنند، اما ثابت سـاختند کـه زنان زحمـتكش تـسليم شـدن را قبـول مدارند و مثل زنان سرمایه داران و خان ها اتحاد و اتفاق با دیگر مردم زحمتکش

دردی، آخ و اف راه بياندازند.

بدهند و به آنان قصه



می میرند. از آن قلب کوچک، از دردا...





د زړو او خرپولو سپين پوستکو لپاره ما دلته هک پک پريږدي. په دې ښه پوهيږم چې دا واټ د ټولو په ګټه دی: سپين پوستکي په خپلو موټرو کې سپريږي زه هم د هغوې سپريدل ننداره کوم. تر اوسه پورې مې هيڅکله نه و ليدلي چې څوک دې دومره ښايسته موټر وچلولي. آهاي ملګرو! په تمه ووسئ:

د خرما د ونو تر منځ څو رڼا او تمدن ورباندې تير شي يو واټ جوړوم څو په خپلو لويو موټرو سره ورباندې تير شي او

د فلوریډا د واټونو کارګران لنګسټن هيوز

دا دی يو واټ جوړوم

يو واټ جوړوم

څو موټرې ورباندې تيرې شي،

زيار

موسسه و دولت، زحمتکشی را به خاطر فقرش مجازات کردند

شد و مدت یک سال به تدریس استادان يرداخت. درين اواخر كه در ليسه ده سرخ ولسوالي بكاولنگ وظيفه داشت و استادان این لیسه را درس می داد، روزی رئيس معارف باميان محمد رضا "اداء" به لیسه ده سرخ آمده و بالای استاد محمد به خاطر اینکه با دریشی به مکتب نیامده بود پرخاش نمود. استاد محمد هم در جواب او یا شهامت یک استاد واقعی می گوید: «من مکلف به اجرای دستور تو نیستم.» این حرف در شان "اداء" گران آمده و برای استاد محمد اخطار منفکی می دهد و بعد از اینکه رئیس معارف به باميان مي آيد به مسوول موسسه CoAF تلفن می کند که استاد محمد باید از وظیفه منفک شود. بدین ترتیب استاد محمد به خاطر اينكه توان خريد دریشی را نداشت، از وظیفه منفک



فراوان تلف گردد که این خود زندگی دهقانی و مالداری 🛛 مانده به کارگری شروع می کنند. وضعیت مالداران نیز را سختتر ساخته و عاید دهقانان و مالداران را کمتر می 🦷 روز به روز بدتر می شود، از آنجائیکه نمی توانند بدون سازد، یعنی دهقانان و مالداران به خاطر خشکسالی فقیر تر 🛛 علوفه مواشی شان را نگه دارند، ناچار آنرا با قیمت کم به فروش می رسانند و خود به شهر می آیند و در چهارراهی اولنگ، سیغان، شیبر و کهمرد به خاطر خشکسالی در 🦳 در حالیکه در بامیان دریاهای خورد و کلان مثل دریای وضعیت بسیار بد بسر می برند. خشکسالی سبب شده است بند امیر در ولسوالی یکه اولنگ، دریای پنجاب در که دهقانان در حدود ۴۰ درصد زمین های شان را کشت 🦷 ولسوالی پنجاب، دریای ورس در ولسوالی ورس، دریای نکنند و یک تعداد از زمین هایی که هم کشت شده است کهمرد در ولسوالی کهمرد، دریای پای موری و کالو در آهنگران در مرکز بامیان جریان دارد، اما به خاطر نبو دیک كمبود حاصلات زراعتي باعث كمبود غله شده و قيمت 🛛 دولت طرفدار مردم زحمتكش، اين آب ها ضايع مي شود از همین خاطر است که در چنین حالاتی دهقانان جوان به خشکسالی تاوان های زیادی را بیذیرند و زندگی شان +

میگردد. لاید آقای "اداء" استاد محمد را مانند خود يولدار فكر كرده بود كه مي تواند دریشی های اتو شده با نکتایی های مقبول بپوشد، چون خود رئیس است و رئیس ها هم در این دولت، افراد پولدار می باشند، از این خاطر بی پولی و ناداری یک زحمتکش آنهم معلم توانا و صادق براي او مفهوم شده نمي تواند.

این سرگذشت دردناک معلم محمد نشان می دهد که موسسات در افغانستان چگونه با دولت کنونی ضد زحمتکشان عمل می کنند و اگر هزار بار این موسسات بنام های جامعه مدنی، دادخواهي، حقوق بشري در اطراف وزير خارجه امريكا خندان و شادان حلقه بزنند، مردم زحمتکش ما هر دوی آنها را به خوبی شناخته اند و همینست که هزاران

بار آنها را نفرين باران مي کنند. 🖈 اگر دستم رسد به چرخ گردون از او پرسم که این چین است و آن چون یکی را داده یی صد ناز و نعمت

یکی را نان جو آلوده در خون

زحمتکشان کی ها هستند؟

زحمتکش به گروه وسیعی از انسان ها گفته می شود که شب و روز تلاش مي كنن تا ضروريات اوليهٔ زندگي خود را به دست آورده و حداقل امکانات زندگی را برای خود و خانواده خود آماده کنن. زحمتکشان شامل کارگران، دهقانان، معلمان، ماموران يائين رتبهٔ دولتي، كراچي وان ها، موچی ها، سلمان ها، دستفروشان، نانواها، شاگردان ستري خانه ها وغيره مي باشند.

زحمتکش برای زنده ماندن خود و خانوادهٔ خود، نزد کسیکه کارخانه یا شرکت و یا هم زمین زراعتی داره کار ی کنه و تنها چیزیکه زحمتکش در جریان کار از آن ستفاده می کنه، انرژی است که بعد از خوردن غذا در دن اش ذخیره می شه؛ این انرژی تنها چیزی اس که حمتکش از فروش آن میتوانه به خود و فامیل خود موراک، پوشاک، دوا، سرپناه و بعضی ضروریات اولیهٔ

دیگهٔ زندگی ره خریداری و تهیه کنه. زحمتکش تنها از نیروی کار خود استفاده میکنه و به . وی کار دیگرا وابسته نیست، در حالیکه ثروتمندا به بروی کار یا انرژی دیگران وابسته استن و پول شان را با مریدن ارزان طاقت و انرژی زحتمکشان بدست می ورن. یس، زحمتکشان مجبوراً باید هر روز کار کنن تا صارف خود و فامیل خوده پیدا کنن. با آنکه هر انسانی سرورت به تفریح و استراحت داره، اما زحمتکشان نمی توانن استراحت یا تفریح کنن، چراکه اگریک ص(۳)

شماره پنجم

میلیاردونه ډالره او ...

چا لپاره يې کاروي چې د بهرنيانو نوکري خو بيا هم دا پوښته پيدا کيږي چې د وکړي، غلامي وکړي، وطن ورباندې خرڅ هغو ميلياردونو ډالرو سره سـره چـې بهرنيـو کړي او هر ډول بـې ننګـۍ تـه حاضـر وي. استعمارګرانو افغانستان ته راوړي دي، بيا هم زيارکښان نه يوازې د بهرنيـو جاسوسـي نـه ولې ۷ ميليونه زيارکښان په فقـر کـې ژونـد کوي، د بهرنيانو نوکري نـه کـوي، غلامـي يې نه کوي، خپل وطن نه خرڅوي او بـې كوى؟

خبره ښکاره او سپينه ده. کله چې بهرنيان ننګی په هيڅ ډول نه منـی، بلکـی هـر هغـه په انساني نيت نه وي راغلي او يوازې هدف څوک چې دا شـرمناکه کارونـه کـوي د يې د خلکو وژنـه او قتـل او قتالم وي، نـو 🏻 هغوي په ضد دي او هغوې د وطن دښمنان پيسې هم د بيوزلو لپاره نه کاروي، دا پيسې گڼي، نو همدا علت دي چي بهرنيان دا

زنان زحمتکش ...

را براي هميشه نابو د کنند.

این زنان مثل زنان زحمتکش و شجاع خانواده های دهقانان، کارگران و اهل غرور هستند. اکنون که ۴۹ کشور کسبه می باشند، در بدترین وضعیت تجاوزگر با شعارهای دروغین "حقوق زن" و "دمو کراسے" تـلاش دارنـد کـه زنىدگى بىسر مىي برنىد. اولادھاي شان پابرهنه هستند، زمستان سرد یکاولنگ را مردم و بخصوص زنان زحمتکش کـشور بدون چوب و زغال می گذرانند، در ما را فریب بدهند این زنیان در ک کر ده طويله حيوانات ولادت مي كنند، به دوا و انـد كـه خـارجي هـا، اربابـان، خـان هـا، داکتر دسترسی ندارند و در حالات فيو دال ها، سر مايه داران، تـاجران، تنظيم قحطي علف خورده اند و حتى مجبور ما و دولت كه همه در خدمت مردم شده اند که جگر گوشه های شان را به یولدار و ستمگر قرار دارند، نمی توانند به فروش برسانند ولي زناني با همتيي هـستند ايشان كوچكترين خدمتي انجام بدهند و که با عرق ریزی، آبله دست و هر نوع وعده از طرف اینان دروغ که برخی از زنان زحمتکش این ولسوالی ظلم و ستم کند.

مصاحبه کوتاه با سید رحیم ...

و فهمیدگی مهم نیس همه چیز واسطه و پول

زيار: چند تا طفل دارى؟ ـچهار تا، يک بچه و سه تا دختر اس. زيار: فرزندانت مكتب ميروند؟

دو تایش گاه میره گاه نه میره، چون وسایلی که به مکتب ضروری است، برای شان خریده نمی تانم.زيار: سيد رحيم جان از دولت راضي استي؟ _اي دولت خو دولت ما غريبا نيس، دولت زورمندا اس. هر چه که هم داد بزنم برای ما کسی کار نمیته. اگر دولت زحمتکشا می بود، زحمتکشا را بری دزدی گک های خورد که از روی مجبوريت مي کنن، بندي نمي کدن، ولي چون دولت پولدارا اس، کسای که کابل بانکه دزی کدن هنوز هم سات شان تیر اس. ازی خاطر مه از دولت هیچ تقاضا ندارم. تضاضای مه از زحمتکشا اس که باید درد یکدیگه را بفهمن و یکدیگه ره کمک کنن. اگه ما یکدیگه را کمک کنیم پولیس و شاروالی نمیتانه کراچی و مواد فروشی ما را ده دريا پر ته و ما را کتي لغت بزنه.

زیار: تشکر رحیم جان، که با ما در دل کردی.

پيسې د زيارکښانو لپاره نشې کارولي. بهرنيان 🛛 دولت د هغوې په خوښه او هدايت مخې تـه او كورني سرمايه داران، تـاجران، خانـان او لاړ شي، تر هغه به بيوزلي او فقر لا ډيريـري، اربابان چی د بهرنیانو نږدی انډیوالان دی، زیارکښان به ښه ژوند پیدا نکړی، دهقانان او هميشه غواړي چې بيوزلي لا په بيوزلۍ او فقر کارګران، معلمان او نانوايان، موچيان او کې وساتي څو تل په کار کې مصروف وي نجاران، آهنګران او ډريوران اوټول زيارکښه او هیخکله سیاسی یـوهی او آتکـاهی تـه ونـه انسانان به په سختی او درد او رنځ کی ژونـد رسيږي، کـه چيـرې سياســي آګـاهۍ تـه تيروي او يوازې شتمن او خانان بـه لا زيـاتې ورسيږي نو بيا د زيارکښانو د مټ زور ټولو پيسې پيدا کوي او ژوند به يې ښـه کيـږي او ظالمانو او ستمكرانو ته معلوم دي او هيڅ په عيش كي به وخت تيروي. ظالم د هغې مخې ته ودريدلی نشي.

تر څو چې بهرنيان په هيواد کې وي او لپاره يو چاره پيدا کړي. ★

عده ای بودند که از این زنان درجن سرکاری و سایر کارهای خلاف منافع زنان يكاولنگ كه ۹۹ درصد آن از نورستان، به حق كه نمونه انسانيت و درجن فلم و عكس گرفتند و در "بازار زحتمكشان از نام آنان استفاده كنند. سیاه کمک" به فروش رساندند، عده ای در هر انتخابات سرکاری به مناطق این زنان تا تصادهای زبانی، سمتی و قومی ایکه زحمتکش سر میزنند تا با دروغ و فریب ستمگران می خواهند از آن فایده های رأى شان را دزدى كنند، عده اى هستند خود را بدست بياورند، كنار بگذارند، و که بنام حقوق زن، این زنان زحمتکش را اگر ما متحد، بیدار و آگاه نباشیم و دل به به تجارت انجویی شان تبدیل کرده اند، دولت، خارجی های ۴۹ کشور و انجوها عده ای هستند که بنام بیوه و یتیم از ببندیم هر گز از زیر ستم های چندلایه نداشتن آگاهی این زنان معصوم ولی خلاصی نداریم ولی اگر ما زنان زحمـتكش اسـتفاده هـاي نـارواي پـولي و زحتمكش آهسته آهسته متحد شويم، هـيچ سیاسی می کنند، اما دیگر معلوم می شود ظالم خارجی و داخلی نمی تواند بر ما

نو په کار ده چې زيارکښان د خپل ژونـد ز حمتکشی تلاش می کنند تا زندگی شاخداری است که خاصه ستمگران می به این آگاهی رسیده اند که دیگر نمی گذارنـد كـسي بنـام تنظـيم، انجـو، حـزب

من از تمام زنان و دختران تقاضا میکنم

زحمتکشان کی ها ...

روز هم به کار نرون، گرسنه می مانن چون از معاش و مزد ناچیز شان پسانداز کرده نمی توانن. ادامهٔ زندگی فامیل زحمتکشان، به کار شان بستگی داره، پس باید تا جان به تن دارن جانکنی کنن تا خانواده های خوده از گرسنگی نجات بتن.

پس شناختن زحمتکش کاری سخت نیس. زحمتکش کسی اس که برای کسیکه کار میکنه، تمام مزدشه نمیته، او قسمتی از مزدشه برای خود میگیره و تنها قسمتی از آن را به زحمتکش می پردازه؛ به همین خاطر زحمتکش مجبور است که هر روز کار کنه تا بتوانه زنده بمانه، چراکه به اندازه ای مزد دریافت میکنه که تنها بتوانه فردا دوباره سر کار حاضر شوه، البته فردا با انرژی کمتر از امروز به کار میره. با گذشت هر روز نه تنها مزد زیادتر برایش پرداخت نمیشه بلکه به ده ها بهانه بالایش ظلم صورت می گیره. چون از یکطرف مزد زحمتکش بالا نمیره و از جانب دیگه قیمت ها افزایش می یابه، پس با همان مزد سابق مواد غذایی کمتری خریداری کرده میتوانه، چون مواد غذایی او کمتر از دیروز اس، پس هر روز انرژی کمتر برای کار داره، به همین خاطر زود بی شیمه و ناتوان میشه و مثل روزهای گذشته کار کرده زحمتکشان باشه!

همين اكنون اكثريت مردم كشور ما زحمتكش هستن، با هزار رنج و درد کار می کنن. زحمت فراوان می کشن، در هر جا در هر ولايت در هر کارخانه، کوره خشت پزی، زمین، باغ و شرکت کار می کنن. اما یک تعداد بسیار کم در افغانستان که تعداد شان از دو تا سه هزار نفر زیاد نیس، هیچ کار نمی کنن و یا کارهای تفريحي و ساده را انجام ميتن، ولي اكثريت مردم مجبور هستن برای شان کار کنن. این افرادی که کار نمی کنن، در عین زمان دزدی می کنن، اختلاس هم می کنن، پول مردم را هم می دزدن و هیچ رحمی بالای مردم زحمتکش ندارن، بخاطریکه اگر رحم کنن پول پیدا کده نمی توانن، ازی خاطر اس که سرمایه داری یک سیستم بسیار بی رحم و ظالم اس و بر زحمتکشان عزیز است که باید برای دفاع از حق خود بیدار و دست به کار شون. چرا که حق داده نمیشه بلکه حق گرفته میشه. زحمتکشان راهی غیر اتحاد با سایر زحمتکشان ندارن، و این اتحاد از طریق اشتراک در اتحادیه ها، انجمن ها و شوراهای مختلف زحمتکشان میسر است که انجویی و پولی نباشه یا رابطه با کشور های خارجی نداشته باشه، از خود زحمتکشان باشه و در خدمت *

زيار

ټولې د خپلو جاسوسانو لپاره کاروي، د هغه

در حدود سه ساعت پیاده فاصله داشت، هر روز با جدیت به وظیفه اش حاضر می شد، چون باور داشت که فرزندان يابرهنه زحمتکشان منتظرش هستند تا از او چیزی بیاموزند و او وظیفه و رسالت دارد تا به خواست آنان رسيدگي نمايد. استاد محمد فزیک با آنکه زندگی فقیرانه ای دارد، درین اواخر به علت معاش ناچیز که برای زندگی خانواده اش کافي نبود، مجبوراً و از روي مجبوريت از معلمی در ریاست معارف دست کشید و با توانایی ایکه داشت به حیث معلم کارگر و زحمتکش در چوکات موسسه CoAR برای تدریس معلمان دیگر در سطح ولايت باميان استخدام شد. وي مدتي در ولسوالي پنجاب به حيث سرتيم کارکرد و زحمات زیادی را متقبل شد که بعد از آن به ولسوالی یکاولنگ تبدیل

استاد محمد مشهور به "محمد فزیک" که از فاکولته ساینس فارغ و بیش از ۲۵ سال می شود برای فرزندان زحمتکشان بامیان در مکاتب مختلف تدریس می نماید، از جمله استادان لایق و دلسوز بامیان بوده که عمری را در بلند بردن سطح آگاهی فرزندان مردمش سیری نموده است و به حق که در میان شاگردان و خانواده های شاگردانش در ولسوالی یکاولنگ محبوبیت خاص دارد و در هر جا از او به حیث یک انسان شریف و پاک نام برده می شود. شاگردان زیادی با استادی او به یوهنجی های بالا راه یافته و فارغ گردیده اند. این استاد عزیز در دوران جنگ های تنظیمی با وجودی که معاشی در کار نبود، باز هم دست از وظيفه و مسووليت اش برنداشته و با آنكه خانه اش از «لیسه ده سرخ و لیسه مرکز»

در حدود هشتاد در صد باشندگان ولايت باميان را مردم زحمتكش تشکیل می دهد که اکثر آنان مصروف دهقانی و مالداری می باشند. زندگی اکثر خانواده ها از طریق جمع آوری محصولات زراعتی، پرورش و فروش مواشی تامین میگردد. اما بدبختانه خشکسالی امسال سبب شدہ است که حاصلات دهقانان کم شود و مواشی مالداران به خاطر نبود علوفه و آب

مي شوند.

دهقانان و مالداران ولسوالی های پنجاب، ورس، یکه ها منتظر کارگری می مانند. به خاطر کمی آب حاصلش سوخته و دهقانان تاوان های 🦷 ولسوالی شیبر، دریای فولادی، سرخدر، دکانی، سمارهٔ زيادي را متحمل شده اند.

غله را زیاد ساخته که زحمتکشان توان خرید آنرا ندارند، 🦷 و دهقانان و مالداران زحمتکش مجبور هستند به خاطر خاطر پيدا کردن کار به شهرهاي کلان ميروند و دهقاني را 🛛 خرابتر شود.

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com. The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.